



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



انفاق

جواد محمد شاہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انفاق

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	انفاق
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست مطالب
۱۴	سخن ناشر
۱۶	سرآغاز
۲۰	آزمون مالی
۲۵	انفاق، برگشت سرمایه
۲۸	انفاق، تبدیل دنیا به آخرت
۳۲	سپرده گذاری نزد خدا
۳۵	رهتوشه آخرت
۳۸	نقش انفاق در اصلاح فرد و جامعه
۴۱	مبارزه با خصلت بخل
۴۶	انفاق و افزایش روزی
۴۹	خطر ثروت بی انفاق
۵۲	ادب و آداب انفاق
۵۲	اشاره
۵۲	۱. انفاق با اشتیاق
۵۳	۲. انفاق بی ممت
۵۴	۳. دچار عُجب نشدن
۵۵	۴. عطای پیش از سول
۵۶	۵. اعتدال در انفاق
۵۷	۶. انفاق به نیازمندان واقعی

۵۹ ۷. انفاق به خویشاوندان محروم

۶۰ ۸. کوچک نشمردن انفاق کم

۶۲ ۹. اخلاص در انفاق

۶۴ سخن آخر

۶۷ درباره مرکز

سرشناسه : محدثی، جواد، 1331 -

عنوان قراردادی : نهج البلاغه .فارسی .برگزیده

Nhjol-Balaghah .Persian .Selection

عنوان و نام پدیدآور : انفاق / جواد محدثی.

مشخصات نشر : مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1392.

مشخصات ظاهری : 55 ص.؛ 5/14×5/21 س م.

فروست : درس هایی از نهج البلاغه؛ 11.

شابک : 14000 ریال: 7-160-971-964-978

یادداشت : چاپ ششم.

یادداشت : چاپ قبلی: بنیاد پژوهشهای اسلامی، 1387. (127 ص).

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق. نهج البلاغه -- انفاق

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah -- Prodigality

موضوع : انفاق

موضوع : Charity

شناسه افزوده : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40 ق. نهج البلاغه . برگزیده

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : BP38/09 /الف 874 م 3 1392

رده بندی دیویی : 297/9515

شماره کتابشناسی ملی : 4771399

ص: 1

اشاره

انفاق

جواد محدثی

ص: 4

فهرست مطالب

سخن ناشر 7

سرآغاز 9

آزمون مالی 13

انفاق، برگشت سرمایه 18

انفاق، تبدیل دنیا به آخرت 21

سپرده گذاری نزد خدا 25

رهتوشه آخرت 28

نقش انفاق در اصلاح فرد و جامعه 31

مبارزه با خصلت بخل 34

انفاق و افزایش روزی 39

خطر ثروت بی انفاق 42

ادب و آداب انفاق 45

1. انفاق با اشتیاق 45

2. انفاق بی منت 46

ص: 5

3. دچار عُجب نشدن *** 47

4. عطای پیش از سوال *** 48

5. اعتدال در انفاق *** 49

6. انفاق به نیازمندان واقعی *** 50

7. انفاق به خویشاوندان محروم *** 52

8. کوچک نشمردن انفاق کم *** 53

9. اخلاص در انفاق *** 55

سخن آخر *** 57

ص: 6

نهج البلاغه را بی تردید می توان به دریایی پر گوهر تشبیه کرد که هر چه بیشتر در آن غواصی شود، درس ها و حکمت های زندگی ساز و پربهای بیشتری به دست می آید. بی جهت نیست که دانشمندان بسیاری در طول چهارده قرن، در پی درس آموزی از مکتب علوی و کسب معرفت از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام بوده اند و در شرح سخنان پر ارج او کتاب ها نوشته اند.

سخنان حضرت علی علیه السلام، هم در زمینه مباحث نظری و عقلی بسیار ارزنده و راهنماست، هم در قلمرو مسائل عینی و زندگی انسانی و موضوعات کاربردی و عملی کارگشاست و این ابعاد متنوع کلام آن حضرت، نشأت گرفته از روح بلند و شخصیت بی نظیر و چند بُعدی آن پیشوای بزرگ است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره وی فرمود:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا»⁽¹⁾.

ص: 7

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی

خداوند امر و خداوند نهی

که من شهر علمم علیم در است

درست این سخن قول پیغمبر(1) است

و چنان که خود امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَلْفَ بَابٍ كُلُّ بَابٍ فَتَحَ أَلْفَ بَابٍ»(2).

رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - به من هزار باب [علم] آموخت، که هر باب آن هزار باب گشود.

بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، به عنوان گامی هر چند کوچک در راستای تکلیف بزرگی «شناساندن کلام و شخصیت علی علیه السلام»، تصمیم بر عرضه درس هایی زندگی ساز از معارف همیشه زنده و الهام بخش نهج البلاغه گرفته است، با این باور که کلام نورانی امیر سخن حضرت علی علیه السلام، در حدّ بالایی الگوی رفتاری، معاشرتی و معیشتی هر مسلمان، به ویژه نسل جوان است. از این رو عرضه و انتشار این سلسله درس ها با قلمی روان و خلاصه، می تواند چراغ راه و فروغ زندگی باشد.

از حجج اسلام آقایان محمدجواد نطافت و جواد محدّثی که در «پژوهش» و «نگارش» این سلسله درس ها همت گماشته اند، صمیمانه تقدیر می شود. باشد که این گام و اقدام، زمینه هر چه بیشتر آشنا شدن نسل جوان امروز را با معارف اهل بیت علیهم السلام و کتاب جاودانه نهج البلاغه فراهم آورد.

ص: 8

1- - شاهنامه فردوسی، بر اساس چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان 1/18 و 19.

2- - بصائر الدرجات 323.

چگونه می توان در این دنیا بهشت را به دست آورد؟

کار نیک، احسان به مردم، خدمت صادقانه به دیگران، لذت بردن از کمک رسانی به محتاجان، ابزار و مصالحی است که «سرای آخرت» را برای انسان بنیان می نهد.

این توفیق در همه کس نیست، لطفی است الهی که بر دستان برخی از بندگان شایسته و «خیر» جاری می شود و به مردم می رسد.

گاهی بعضی از اعضای بدن «بی حس» می شود و هیچ درد و جراحت و آزاری را درک نمی کند. این «عصب مُردگی» گاهی هم در اندام روح بشر پدید می آید. آدم ها نیز گاهی «احساس» خویش را از دست می دهند و از رنج و محرومیت و نیازهای نیازمندان، متأثر نمی شوند. این همان بی غمی از محنت دیگران است که اگر کسی به این مرحله رسید، نشاید که نامش نهند آدمی!

کسی که توفیق خدمت و احسان به دیگران دارد، حس حیات و

عصب انسانیت او زنده و بیدار و فعال است و از این خدمت، «لذت روحی» می برد و «نشاط معنوی» می یابد و به خدا نزدیک می شود.

آنان که کمر همت می بندند و «رنج خود و راحت دیگران» می طلبند و از داشته های خود در راه دیگران هم خرج می کنند چند قدم به مرز انسانیت نزدیک ترند.

چنان نیست که هر کس متمکن و توانگر بود، به این آسانی و بدون وسوسه های شیطانی بتواند از ثروت خود در راه خیر و خدایسندانه و به سود مردم استفاده کند.

اهل احسان و نیکی، ستارگان زمینی اند که برای آسمان ها می درخشند و حجت های الهی بر دیگرانند و خرسندند که مجرای فیض الهی و خیر رسانی به بندگان قرار می گیرند.

کسانی که تعلقات مادی و دلبستگی های دنیوی چنان اسیرشان ساخته که حاضر نیستند از دارایی و توانایی خویش، در راه خدا و خدمت به مردم خرج کنند، بیچارگانی اند در نمای ثروتمندی، و اسیرانی وابسته اند، اما در شکل و شمایل آزادان!

خوشا پیشتازان میدان این مسابقه که گوی احسان و نیکی به مردم را از رقیبان می ربایند و دنیا را وسیله تجارت آخرت قرار می دهند و در دفتر احسان و انفاق، امتیازات بیشتری برای خود ثبت می کنند.

آنچه در فرهنگ دینی و آیات و روایات با عنوان «انفاق» و «احسان» آمده است، همین میدان «جهاد مالی» را ترسیم می کند.

عواملی می تواند مشوق انسان به انفاق باشد.

عواملی نقش بازدارنده دارند که صفت بخل، یکی از آن هاست.

آثار و تبعات انفاق در جامعه و نسبت به خود شخص، نکته دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

کسانی که شایسته برخورداری از انفاق

مالی توانگراند، کیستند؟

آداب و شیوه های درست احسان به نیازمندان چیست؟

و بسیاری نکات دیگر که در زمینه احسان و انفاق به مردم، به ویژه نیازمندان مطرح است.

در ادامه سلسله «درس هایی از نهج البلاغه» نوشته ای که پیش رو دارید، به بررسی مسأله انفاق از ابعاد مختلف از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته است.

امیرالمومنین علیه السلام خود از پیشتازان

«انفاق فی سبیل الله» بود. در کلمات نورانی آن حضرت نیز توصیه ها، راهکارها و نکته های نغز و سودمند فراوانی وجود دارد که در خلال خطبه ها، نامه ها و کلمات قصار آن امام بزرگوار آمده است. (1)

امید است فروغ جاودانه سخنان حضرت امیر علیه السلام، همواره بر رواق دلیمان بتابد و

روشنگر راه زندگی مان شود، تا بتوانیم ما نیز از پیشگامان این خط درخشان باشیم.

ص: 11

1- - نشانی مطالب نهج البلاغه، براساس شماره نهج البلاغه صبحی صالح است.

آن کسی را بستاید که اندر همه عمر

بهر آسایش مردم قدمی بردارد

نیک مرد آن که نگردد دل او هرگز شاد

مگر از خاطر کس، باز غمی بردارد(1)

توفیق الهی در این آزمون صدق و ایثار، همراهتان باد.

جواد محدّثی

تابستان 86

ص: 12

انسان به شکل های مختلف آزمایش می شود و هر آزمون هم هدفی دارد.

از آنجا که انسان معمولاً به مال و ثروت دلبستگی دارد، به خصوص مالی که با زحمت به دست آورده باشد، یکی از دشوارترین امتحان ها آن است که از او بخواهند تمام یا بخشی از دارایی خود را به دیگری بدهد. «انفاق» یکی از همین امتحان هاست. خداوند اگر بخواهد، می تواند همه مردم جهان را بی نیاز و ثروتمند کند، ولی با فرمان انفاق، می خواهد روشن سازد که چه کسانی وابسته به مادیات اند، و چه کسانی از این وابستگی آزادند و مطیع فرمان خدای خویش اند.

حضرت علی علیه السلام در سخنی پس از اشاره به آیه ای که در باره قرض الحسنه و وام دادن به خداست و پرهیز دادن از بخل ورزی، می فرماید:

اگر خداوند از شما یاری خواسته نه بدان سبب است که او ناتوان است و اگر از شما قرض خواسته، نه بدان جهت است که کمبود دارد، چرا که

همه سپاه آسمان ها و زمین و همه گنجینه های عالم هستی از اوست، بلکه می خواهد شما را بیازماید، تا معلوم کند که کدامتان نیکوکارترید:

«فَلَمْ يَسْتَصِرِّكُمْ مِنْ ذُلِّ وَلَمْ يَسْتَقْرِضْكُمْ مِنْ قُلٍّ... وَأَتَمَّا ارَادَ أَنْ يَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (1).

نتیجه این امتحان هم روشن شدن وضعیت انسان برای خود اوست نه برای خدا، چون خداوند از همه چیز آگاه است. می خواهد میزان تطابق ادعا و عمل مسلمان روشن شود و معلوم گردد که بنده، تا چه حد اخلاص و اطاعت دارد، و گرنه بدون انفاقِ بندگان هم می تواند مشکل فقرا را حل کند و همه را از خزانه غیب خویش بهره مند سازد.

وقتی به قارون می گفتند از آن همه ثروتِ افسانه ای به فقرا هم بدهد، می گفت: خودم با علم خودم به دست آورده ام، چرا به دیگران بدهم؟ (2) و چون به کافران می گفتند از آنچه خدا به شما داده، انفاق کنید، می گفتند: آیا به کسی غذا بدهیم که اگر خدا می خواست، خودش به او اطعام می داد و سیرش می کرد؟ (3)

اینهاست که بعد آزمایشی انفاق را نشان می دهد.

بعضی با فقر امتحان می شوند، بعضی با ثروت. آزمایش با مال به صورت تکلیف خمس و زکات و انفاق و صدقه و پرداخت های مالی به نیازمندان است و شکرانه این برخورداری از نعمت ها، هم استفاده صحیح

ص: 14

1- نهج البلاغه، خطبه 183.

2- قصص، آیه 78.

3- یس، آیه 47.

از آنهاست، هم دستگیری از ضعیفان.

امام علی علیه السلام می فرماید:

دنیا، سرای آزمایش است و خدا هر کسی را به نحوی می آزماید. او روزی ها را مقدر ساخته و آن را بین بندگان به صورت کم و زیاد تقسیم کرده است، تا هر که را بخواهد با توانگری یا تهیدستی و فقر امتحان کند و از این راه، شکر ثروتمند و صبر فقیر را بیازماید:

«لِيُنْتَلَىٰ مَنْ ارَادَ بِمَيْسُورِهَا وَمَعْسُورِهَا وَلِيُخْتَبَرَ بِذَلِكَ الشُّكْرَ وَالصَّبْرَ مِنْ غَنِيِّهَا وَقَفِيرِهَا» (1).

توانگری که شکر عملی ثروت خود را که انفاق هم یکی از آن هاست انجام ندهد، داشتن ثروت برای او مایه مباهات و ارزش نیست و چه بسا اگر در این آزمون مردود شود، ثروتش از او گرفته شود (به خطر ثروت بی انفاق اشاره خواهیم کرد).

حضرت امیر علیه السلام در مورد اینکه ادا نکردن حق مال، گاهی سبب زوال نعمت می شود، می فرماید:

خداوند را بندگان مخصوصی است که نعمت ها را به آنان اختصاص داده، تا بندگان از آن سود ببرند و تا وقتی اهل بذل و بخشش اند، نعمت ها را در دستشان باقی می دارد. هرگاه به محرومان رسیدگی نکنند، نعمت ها را از آنان می گیرد و به دیگران می سپارد:

«... فاذا منعوها نزعها منهم، ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَىٰ غَيْرِهِمْ» (2).

و این یک قانون و قرار الهی است که هر کس حق نعمت ها را ادا نکند

ص: 15

1- - نهج البلاغه، خطبه 91.

2- - نهج البلاغه، حکمت 425.

و کوتاهی نماید، آن را در معرض زوال قرار داده است. (1)

وقتی خدا، در شکر را می گشاید، در نعمت و دوام آن را هم باز می گذارد و به افراد موفق در آزمون مالی، وسعت رزق و گشایش روزی عطا می کند و بقای نعمت را تضمین می کند.

امیرمونان علیه السلام می فرماید:

«مَنْ كَثُرَتْ نِعْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ، كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَمَنْ قَامَ لِلَّهِ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرَضَهَا لِلدَّوَامِ وَالْبَقَاءِ، وَمَنْ لَمْ يَقُمْ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرَضَهَا لِلزَّوَالِ وَالْفَنَاءِ». (2)

کسی که نعمت های خدا بر او زیاد شود، نیاز مردم به او نیز بسیار می شود. پس اگر نسبت به آن نعمت ها به انجام وظیفه مالی بپردازد، نعمت را در معرض دوام و بقا قرار داده است و هر که به واجب مالی اقدام نکند، آن ثروت و نعمت را در معرض زوال و نابودی قرار داده است.

اینکه توصیه شده هر روز خود را با صدقه شروع کنید، برای ورزیدگی اراده در گسستن تعلقات مادی و تمرین برای داد و دهش است، تا در هنگامه های مهم و ضرورت های اساسی تر، پای در گل نمائیم و دستمان بسته نباشد.

ص: 16

1-- همان، حکمت 244.

2-- نهج البلاغه، حکمت 372.

در جهان لطف خدا شامل احوال کسی است

که جوانمردی و احسان و کرامت دارد

آن که پاک است و حسابش همه با خلق درست

چه غم از پرسش فردای قیامت دارد؟(1)

ص: 17

1- - قاسم رسا.

انفاق، برگشت سرمایه

سرمایه گذاری وقتی جاذبه دارد که سرمایه به اضافه سود، به صاحب مال برگردد. وگرنه وقتی پول از جیب برود و سرمایه برنگردد، هیچ عاقلی حاضر به چنین سرمایه گذاری نیست.

انفاق از این گونه سرمایه گذاری هاست. طرف قرارداد، خداوند است و قول داده که آنچه در راه او انفاق شود، با سود چند برابر به صاحبش برگردد، آن هم در سخت ترین موقعیتی که سرمایه گذار، به پول و منفعت آن نیاز دارد، یعنی در آخرت که «روز وانفسا» است و هر کس به فکر خویش است.

توجه به این نکته، حتی برای بخیلان هم ایجاد شوق می کند که با خدا وارد معامله ای پر سود شوند و بدانند که ضرر نمی کنند، در سخنان امام علی علیه السلام چنین می خوانیم:

«مَنْ أَيَقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ» (1).

ص: 18

کسی که یقین به پاداش و جایگزین داشته باشد، سخاوتمندانه بخشش می کند.

با این حال، کسی که احسان می کند، در واقع به خودش احسان می کند، چون ثمره انفاق او به خودش بر می گردد، چه در دنیا و چه در آخرت، پس نباید چشمداشت قدردانی از سوی مردم داشته باشد، چون برای خودش کار کرده است.

هر چه کنی به خود کنی

گر همه نیک و بد کنی

حتی اگر کسی بخواهد پس از وی، دیگران نسبت به بازماندگان و خانواده و فرزندانش نیکی و احسان کنند، باید از همین معادله استفاده کند، یعنی به نیازمندی های دیگران برسد، تا دیگران نیز همین برخورد را با اولاد او داشته باشند. حضرت در اشاره به این سنت اجتماعی می فرماید:

«أَحْسِنُوا فِي عَقَبِ غَيْرِكُمْ، تُحَفِّظُوا فِي عَقَبِكُمْ» (1)

نسبت به بازماندگان دیگران احسان و نیکی کنید، تا دیگران هم حال بازماندگان شما را رعایت کنند.

نیکی کن تا نیکی بینی، از دیگران رفع گرفتاری کن تا در گرفتاری ها به کمک تو آیند، به یتیمان یک شخص انفاق و رسیدگی کن، تا یتیمان تو مورد توجه و احسان قرار گیرند و فراموش نشوند.

در انفاق، طرف قرارداد ما خدایی است که هم خوش قول و صادق است، هم توانا و

توانگر است، هم جود و سخاوتش بسیار است. او

ص: 19

فرموده است:

«وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ» (1)

هر چه انفاق کنید، خداوند جای آن را پر می کند.

با این دید، کسی که از امکانات خود در راه حل مشکلات مردم خرج می کند، سرمایه اش هدر نمی رود، بلکه با سود چند برابر به او بر می گردد.

فرصت ها به سرعت می گذرد. حتی امکان خرج در راه خدا گاهی برای بعضی فراهم نمی شود و از این سرمایه گذاری محروم می شوند. تا مجال و مالی باقی است، باید به خیر و احسان پرداخت و تا در حسنات و صالحات باز است، باید به ذخیره سازی در حساب آخرت شتافت.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

در دنیا هیچ خیری نیست مگر برای دو نفر:

یکی آن که گناहانی مرتکب شده، زود

توبه و جبران کند،

دیگری آن که در کارهای خیر، پیشقدم و سریع باشد. (2)

این نگاه، شوق سرمایه گذاری در بازار پر سود آخرت را می افزاید و محکی برای اخلاص و آخرت باوری اهل ایمان است.

ص: 20

1- - سبأ، آیه 39.

2- - نهج البلاغه، حکمت 94: ...وَرَجُلٌ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ.

انفاق، تبدیل دنیا به آخرت

در نهج البلاغه در کنار آن همه نکوهش که از دنیا شده است، تعریف هایی هم دیده می شود. نکوهش وقتی است که دنیا عامل غفلت شود و از آخرت باز دارد و ستایش وقتی است که دنیا ابزاری برای دستیابی به آخرت و وسیله ای برای تأمین سعادت اخروی گردد.

بارها حضرت علی علیه السلام تأکید فرموده که از دنیا برای آخرت توشه بردارید:

«خُذْ مَا يَبْقَى لَكَ مِمَّا لَا تَبْقَى لَهُ» (1).

از آنچه که برای آن نمی مانی (دنیا) برای آنچه برای تو ماندگار است (آخرت) توشه بگیر.

«بِالدُّنْيَا تُحْرَزُ الْآخِرَةُ» (2).

به وسیله دنیا، آخرت به دست می آید.

جالب آن است که آخرت وسیع و ماندگار و بی پایان، به وسیله

ص: 21

1- - نهج البلاغه، خطبه 223.

2- - همان، خطبه 156.

دنیایی فراهم می شود که هم محدود و فانی است، هم بی ارزش و کم اهمیّت. یعنی در یک معادله، می توان این را تبدیل به آن کرد و از بی ارزشی درآورد و ارزشمندش ساخت، به شرط آنکه بتواند پله رسیدن به بام آخرت و ابدیّت شود و نعمت فانی دنیا به نعمت های جاویدان آخرت و بهشت تبدیل گردد. این در

سایه انفاق در راه خدا فراهم می شود. آنان که این حقیقت را به درستی بفهمند، به نعمت ها و اموال دنیوی دلبسته نمی شوند و سخاوتمندانه ایتار و احسان می کنند.

در نهج البلاغه نقل شده است که روزی امیرالمومنین علیه السلام همراه جمعی از اصحاب خود به عیادت «علاء بن زیاد» رفت. خانه علاء، وسیع بود و بیش از نیاز او. حضرت فرمود: این خانه وسیع را در دنیا می خواهی چه کنی؟ در آخرت به چنین خانه ای محتاج تری! البته اگر بخواهی می توانی با

همین خانه به آخرت برسی، مثلاً در این خانه، از مهمانان پذیرایی کنی، به بستگان خود نیکی کنی، حقوقی را که خداوند بر عهده تو گذاشته، ادا کنی، هرگاه چنین کنی، از همین دنیا به آخرت رسیده ای... «إِنْ شِئْتَ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ»⁽¹⁾.

این همان نصیحتی بود که به قارون ثروت اندوز هم می گفتند که با آنچه خدا به تو داده است، آخرت خود را به دست آور،

بهره دنیایی خود را هم فراموش نکن،⁽²⁾ اما او نپذیرفت و در کام زمین فرورفت.

این کیمیاگری و تبدیل ارز دنیایی به ارز آخرتی و ساختن قصرهای

ص: 22

1-- نهج البلاغه، خطبه 209.

2-- قصص، آیه 77: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ».

بهشتی با مصالح همین دنیا از انفاق و احسان بر می آید و کسی حاضر است دنیای خود را به خاطر خدا و در راه بندگان فقیر خدا بدهد، که در چشم انداز نگاهش «آخرت» را ببیند و امروز خود را فدا کند تا فردای خویش را آباد سازد.

امیرموان علیه السلام می فرماید: مردم در دنیا دو گونه عمل می کنند: یک عده در دنیا برای دنیا کار می کنند، دنیایشان آنان را از آخرتشان غافل می سازد. از فقر بازماندگانشان می ترسند، از این رو خرج نمی کنند و برای دیگران باقی می گذارند. عده ای هم در دنیا برای پس از دنیا کار می کنند، ثمره کار دنیایی شان در آخرت به آنان باز می گردد. اینان بهره دنیا و آخرت را می برند و هم دنیا دارند، هم آخرت، نزد خداوند هم آبرومندند و هر چه از او بخواهند، روا می شود. (1)

کسی که دستش از دنیا و تصرف در اموال خود کوتاه می شود، حسرت می خورد کاش تا در دنیا بود، برگ عیشی به گور خویش می فرستاد و چشم به احسان و خیرات بازماندگان نمی دوخت. آنچه از این حسرت و اندوه جلوگیری می کند، آن است که تا خودش در دنیا هست، همان کار را بکند که از ورثه انتظار دارد و خودش دنیایش را به نعمت های اخروی تبدیل کند و خانه آخرت را آباد سازد.

امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید:

«يَا بْنَ آدَمَ! كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ، وَاعْمَلْ فِيهِ مَا تَوَرُّ أَنْ يُعْمَلَ فِيهِ»

ص: 23

1- - نهج البلاغه، حکمت 269: «عَامِلٌ عَمَلٍ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا... وَ عَامِلٌ عَمَلٍ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا...».

ای فرزند آدم! خودت وصی خودت در مال خویش باش و در مورد ثروتت همان گونه عمل کن که دوست داری پس از مرگت عمل کنند. خیلی ها وصیت می کنند که پس از مرگشان فلان مبلغ به فقرا بدهند، یا فلان مال را در فلان راه خرج کنند یا برایشان خیرات و احسان انجام دهند، تا پس از مرگ و در عالم قبر و برزخ و قیامت، از ثمرات آن برخوردار گردند. ولی چرا خودشان تا زنده اند، دست به چنین اقداماتی نمی زنند؟ معلوم نیست وارثان تا چه حد به فکر آنان باشند. انفاق، دل بستگی ها را کم می کند و باعث می شود این کار به دست خود شخص انجام گیرد و دل به وصیت و سفارش خوش نکند.

کسی که دلش نمی آید پولی را از خود جدا کند و از آن بگذرد و به محرومان بدهد، چطور توقع دارد دیگران برای او چنین کنند؟ در روایات آمده که احسان و صدقه ای که کسی در حال حیاتش می دهد، به مراتب بیش از آنچه پس از مرگ وی از اموالش به فقرا می دهند اجر و پاداش دارد.

ص: 24

سپرده گذاری نزد خدا

گاهی ظاهر یک کار، از دست دادن مال است، ولی باطن آن برداشت بیشتر و سود فراوان است، مثل بذری که کشاورز در زمین می پاشد و چند برابر برداشت می کند، یا کسی پول هنگفتی را به حسابدار بانک

می دهد تا به حساب او واریز کند که ظاهرش دادن پول خود به دیگری است، ولی در واقع در حساب خود پس انداز می کند و جای دوری نمی رود.

«انفاق» از نگاه قرآن و نهج البلاغه چنین است، نوعی معامله سودآور با خدا و یکی از راه های افزایش مال است.

امیرمونان علیه السلام می فرماید:

«إِذَا أَمَلْتُمْ فَتَاجِرُوا بِالصَّدَقَةِ» (1).

هرگاه تنگدست شدید، با صدقه دادن با خدا تجارت کنید.

حضرت در جایی دنیا را تجارتخانه اولیای الهی می داند، (2) و یکی از صورت های تجارت با خدا صدقه و انفاق و احسان است که پاداش

ص: 25

1-- نهج البلاغه، حکمت 258.

2-- همان، حکمت 131.

مضاعف و سود چند برابر الهی را در پی دارد. در جای دیگر توصیه می فرماید که در ایام فنا برای دوران بقا توشه بردارید، راه شما روشن است و آماده کوچید، کسی که برای آخرت خلق شده، مالی را که به زودی از او گرفته خواهد شد می خواهد چه کند؟

«وَمَا يَصْنَعُ بِالْمَالِ مَنْ عَمَّا قَلِيلٍ يُّسَلَبُهُ وَتَبْقَى عَلَيْهِ تَبَعْتُهُ وَحِسَابُهُ» (1).

وقتی انسان مال را می گذارد و می رود، ولی پیامدها و حساب هایش را نزد خدا باید پس بدهد، آیا بهتر نیست که در همین جا با انفاق و خیرات، در حساب الهی سپرده گذاری کند و آنجا که مرحله نیاز است از آن بهره مند شود؟ مال در معرض زوال است. تا از دست نرفته، یا دست از آن کوتاه نشده، باید با انفاق، آن را ماندگار و آسیب ناپذیر ساخت.

امام علی علیه السلام می فرماید: وقتی مرگ می آید، برای انسان یا شقاوت می آورد یا رستگاری. پس باید بهترین توشه ها را از دنیا برای آخرت برداشت و خود را از عقاب آخرت مصون ساخت. (2)

و می فرماید: «فَإِذَا تَجَلَّوْا مِنْهَا بِأَحْسَنَ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ...» (3)

با بهترین توشه ای که فراهم ساخته اید، از دنیا کوچ کنید.

با این دیدگاه، آیا صدقه و انفاق، بُرد است یا باخت؟ سود است یا زیان؟ از دست دادن است یا به دست آوردن و در ذخیره نگه داشتن؟ امیرمؤمنان علیه السلام پیش بینی کرده که در آخر الزمان کسانی خواهند آمد که

ص: 26

1-- نهج البلاغه، خطبه 157.

2-- نهج البلاغه، خطبه 64: «فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تُحْرِزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا».

3-- همان، خطبه 45.

«يَعْدُونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا»⁽¹⁾، صدقه را در آن روزگار خسارت و زیان به شمار می آورند. این به خاطر آن است که عینک آخرت بینی به چشم نزده اند و از آثار اخروی انفاق در راه خدا بی خبرند و به وعده های الهی آن ایمان استوار را ندارند که با خدا معامله پر سود کنند.

چون عالم را به کس نخواهند گذاشت

باری دلِ دوستان نگه باید داشت⁽²⁾

ص: 27

1-- نهج البلاغه، حکمت 102.

2-- نظامی گنجوی.

هر سفری به تناسب طول زمان و نوع مقصد و شرایط خاص آن، توشه مناسبی می طلبد. رهتوشه آخرت، عمل صالح و حسنات و خیرات است و انفاق یکی از این هاست.

حضرت علی علیه السلام در کلامی از کمی زاد و رهتوشه و طولانی بودن راه و دوری سفر و عظمت و هولناکی مقصد که قیامت است، یاد می کند و آه می کشد (1) و در سخنی می فرماید:

«مَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ» (2).

کسی که در انتظار مرگ است، به سوی خیرات می شتابد.

ما هم اگر در انتظار مرگ نباشیم، مرگ در انتظار ما و در کمین است تا ما را براباید و از جمع دنیایان ببرد. غفلت از سفر پر خطر مرگ، سبب دل بستگی به دنیا و ترک انفاق می شود. ولی به یاد آن بودن، موجب تدارک لوازم و وسایل سفر می شود. یکی از این آمادگی ها از پیش

ص: 28

1- نهج البلاغه، حکمت 77: آه من قلّه الزّاد وطول الطريق... .

2- همان، حکمت 31.

فرستادن امکانات رفاهی و عیش در آخرت است. سعدی گوید:

برگ عیشی به گور خویش فرست

کس نیارد ز پس، تو پیش فرست

حضرت در اشاره به این آمادگی قبلی برای سفر آخرت می فرماید:

«مَنْ تَدَكَّرَ بَعْدَ السَّفَرِ اسْتَعَدَّ» (1).

کسی که به یاد طولانی بودن سفر باشد، خود را آماده می سازد.

به سلامت رسیدن به سر منزل ابدی و عبور از گردنه ها و خطرها، نیاز به سبکباری دارد. انفاق، سبب می شود بارها در پیمودن این راه سبک تر شود و امید عبور موفقیت آمیز از این راه پر خطر بیشتر گردد

و پیش از خودمان، وسایل رفاه آخرت به مقصد برسد.

امیرالمومنین علیه السلام ترسیم جالبی از این راه و بار و مسیر و عبور دارد. می فرماید:

بدان که در پیش روی تو راهی طولانی و پر مشقت است و تو نیازمند آنی که زاد و رهتوشه ای شایسته و بایسته برداری که تو را به مقصد برساند و بارت را سبک کنی تا پیمودن راه، برای تو کمر شکن نشود. پس بیش از حدّ توان، بار سنگین بر دوش منه، که سنگینی آن و بال تو گردد. هر گاه از نیازمندان کسی را یافتی که توشه و بار تو را به دوش بکشد و در فردای قیامت، آن را به نحو کامل به تو برگرداند و در آن روزی که به آن نیاز است تحویل دهد، پس او را غنیمت شمار و بارت را به دوش او بگذار و تا می توانی توشه بیشتری بر دوش او بگذار، چه بسا بگردی و دیگر او را نیابی. و اگر کسی در حالی که توانگر هستی از تو قرض بخواهد، تا در روز تنگدستی ات به تو باز پس بدهد، او را هم

ص: 29

این تمثیل زیبا و گویا می‌رساند که اگر کسی در حال توانگری در دنیا به نیازمندان کمک کند، چه به صورت انفاق و صدقه یا قرض الحسنه، در آخرت به او بر می‌گردد و مثل آن می‌ماند که برای عبور از یک رود خروشان یا پل لرزان، کسی بار تو را تحویل بگیرد و آن طرف پل و رودخانه، سالم به تو تحویل دهد، که تو از او سپاسگزار و ممنون هم خواهی شد. انفاق همین اثر را دارد و فرستادن رهنوشه برای آن سوی «پل مرگ» است.

ای رهروی که خیر به مردم رسانده ای

آسوده رو، که بار تو بر دوش سائل است (2)

نیز از سخنان آن حضرت است:

«قَدِّمُوا بَعْضًا يَكُنْ لَكُمْ قَرْضًا». (3)

مقداری از ثروت خود را (با انفاق و احسان) پیش بفرستید، تا در پیشگاه خدا به عنوان قرض برای شما باقی بماند.

سود دنیا و دین اگر خواهی

مایه هر دوشان نکوکاری است

راحت بندگان حق جستن

عین تقوا و زهد و دینداری است (4)

ص: 30

1- - نهج البلاغه، نامه 31، بند 58: «وَأَعْلَمُ أَنَّ أَمَامَكَ طَرِيقًا ذَا مَسَافَةٍ بَعِيدَةٍ وَمَسَاقٍ شَدِيدَةٍ. وَأَنَّ لَأَغْنِي بِكَ فِيهِ عَنِ الْارْتِيَادِ وَقَدَّرُ بِلَاغِكَ مِنَ الزَّادِ، مَعَ خَفِّهِ الظَّهْرِ...».

2- - کلیات صائب تبریزی، ص 227.

3- - نهج البلاغه، خطبه 203.

4- - ابن یمین.

انفاق و احسان، هم برای انفاق کننده، سازنده و کمال آور است، هم به نفع جامعه است و نوعی مبارزه با فقر و رفع محرومیت ها و نجات مستمندان از وضع دشوار زندگی است. فاصله طبقاتی با انفاق، پر یا کاسته می شود و تعدیل صورت می گیرد. همنوعان نیز به هم محبت پیدا می کنند، روح جمعی تقویت می شود و بُعد عاطفی انفاق کنندگان رشد می کند و با این کار نیک، «ساخته» می شوند. به قول شهید مطهری: «اینکه انسان چیزی داشته باشد و از خود جدا کند و مظهر رحمت پروردگار بشود، نقش بزرگی در ساختن انسان دارد... فلسفه انفاق، انسان سازی است، زیرا که انسان ها در سایه گذشت ها، بخشش ها و ایثارها روحشان روح انسانی می گردد.

نداشتن و ندادن کمال نیست، به دست آوردن و از خود جدا ساختن، عامل سازندگی انسان است.»⁽¹⁾

این همان نکته ای است که قرآن فرموده است:

ص: 31

1-- آشنایی با قرآن، شهید مطهری، ج 2، ص 68.

«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» (1).

هرگز به برّ و نیکی نخواهید رسید، مگر آنکه از آنچه دوست می دارید، انفاق کنید.

امام علی علیه السلام قوام و استواری دین و دنیا را به چهار چیز می داند. یکی به دانشمندی که علم خود را به کار می بندد و به آن عمل می کند. دیگری به جاهلی که از آموختن خودداری نمی کند، سوّمی به بخشنده ای که از انفاق داشته هایش بخل نمی ورزد. چهارمی به فقیری که آخرتش را به دنیایش نمی فروشد. (وَجَوَادٍ لَا يَبْخُلُ بِمَعْرُوفِهِ، وَفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ). سپس با اشاره به ضایعات و خسارت هایی که پیامد فراهم نبودن این خصلت هاست، فساد اخلاقی و دینی تهیدستان محروم را نتیجه امساک و خودداری ثروتمندان از انفاق و رفع خلأهای مالی فقیران می داند:

«وَإِذَا بَخِلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ، بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ» (2).

هرگاه ثروتمند، از انفاق مالش بخل ورزد، فقیر هم آخرتش را به دنیایش می فروشد.

این همان نکته ای است که در سخنان دیگر حضرت نیز به آن اشاره شده که نزدیک است فقر به کفر بینجامد، یعنی وقتی زندگی تهیدستان تأمین نشود و ثروتمندان هم انفاق نکنند، فقیران از دین و ایمان بر می گردند و منحرف می شوند.

اصلاح جامعه چه از نظر فرهنگی و دینی و چه به لحاظ اقتصادی و

ص: 32

1- آل عمران، آیه 92 .

2- نهج البلاغه، حکمت 372.

محروریت زدایی از فقیران و تعدیل ثروت پولداران و برطرف کردن روحیه تکاثر و مال اندوزی، در گرو احیای فرهنگ احسان و انفاق است. انفاق هم تنها به گذاشتن چند سکه ناچیز در کف دست سائل یا انداختن پولی به صندوق صدقات نیست، بلکه برطرف کردن خلائها و رفع نیازها از بارزترین مصادیق انفاق است.

ص: 33

برای ایجاد یا تقویت خصلت های خوب، یا برای کاستن و ریشه کن کردن صفات بد، تمرین های عملی مؤثر است.

بعضی اگر اهل انفاق و احسان نیستند، به سبب بخلی است که دارند. تا مرداب بخل در وجود انسان خشکانده نشود، گلستان سخاوت و بخشندگی نمی روید. ریشه بخل، بدبینی به خدا و وعده های اوست. شیطان هم از همین زاویه وارد می شود و وعده فقر می دهد و از تنگدست شدن می ترساند، تا جلوی انفاق و صدقه مون را بگیرد.

حضرت امیر علیه السلام، هم از رفاقت و دوستی با بخیلان نهی می کند «إِيَّاكَ وَمُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ»⁽¹⁾، هم از انتخاب والی و پیشوای بخیل به سرپرستی جامعه نکوهش می کند،⁽²⁾ و هم از مشورت با بخیل که در برنامه ها انسان را از خرج و انفاق و احسان رویگردان می سازد و از فقیر شدن

ص: 34

1-- نهج البلاغه، حکمت 38.

2-- همان، خطبه 131.

می ترساند، بر حذر می دارد. (1)

در سخنی دیگر، معیار سود و زیان را با توجه دادن به عواقب اخروی و ثمرات ماندگار، چنین ترسیم می فرماید:

«لَا تَكُنْ مِمَّنْ... يُنَافِسُ فِيمَا يَفْنَىٰ وَيُسَامِحُ فِيمَا يَبْقَىٰ، يَرَى الْغُنْمَ مَغْرَمًا وَالْغُرْمَ مَغْنَمًا...» (2)

از کسانی مباش که در آنچه فانی است، رغبت می کنند و با دیگران به مسابقه می پردازند، ولی در آنچه باقی است، سهل انگاری می کنند، انفاق را که غنیمت و سود است، غرامت و زیان می بینند و زیان را (که بخل است) غنیمت می پندارند، صالحان را دوست می دارند،

ولی مانند آنان عمل نمی کنند، از شکر آنچه به آنان عنایت شده ناتوانند، در عین حال افزون طلبی می کنند.

کدام روش دارای سود است؟ ثروت اندوزی و بخل ورزی از انفاق؟ یا با احسان و صدقه از داشته ها برای آینده جاویدان خود سرمایه اندوختن و آخرت را آباد کردن؟ چه کسی سود می برد و چه کسی زیان می کند؟

کسی که بخل می ورزد و در راه خدا خرج نمی کند، برای چه کس نگه می دارد و پس از او دارایی اش به دست چه کسانی می افتد؟

صالحان یا ناصالحان؟ ورثه اگر صالح باشند، ثواب احسان خود را می برند و اگر ناصالح باشند، اندوخته های میت را صرف عیاشی خود می کنند و چیزی به صاحب مال نمی رسد. پس بخل برای چیست؟

ص: 35

1- نهج البلاغه، نامه 53 به مالک اشتر.

2- همان، حکمت 150.

حضرت امیر علیه السلام در وصیت خود به امام حسن علیه السلام می فرماید:

برای پس از خود، چیزی از دنیا باقی نگذار، برای اینکه وارث تو یکی از دو نفر است، یا انسان صالح و خدا پرست است که با ثروت تو به سعادت می رسد،

ثروتی که تو با خرج نکردن آن به شقاوت می رسی، یا شخص گنهکار است که با اموال بر جای مانده از تو به معصیت می پردازد. در این صورت، تو زمینه ساز گناه او شده ای. پس هیچ یک از این دو گروه وارث، شایسته آن نیستند که آنان را بر خود ترجیح دهی و مال خود را برای آنان بگذاری(1) (خودت انفاق کن، تا نه زمینه ساز معصیت دیگران باشی، نه خود از ثمرات انفاق مالی محروم گردی.)

در سخنی دیگر از این حسرت عظیم این گونه یاد می کند:

«إِنَّ أَعْظَمَ الْحَسَرَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسْرَةُ رَجُلٍ كَسَبَ مَالًا فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ، فَوَرِثَهُ رَجُلٌ فَأَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ، فَدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ، وَدَخَلَ الْأَوَّلَ بِه النَّارَ.»(2)

بزرگ ترین حسرت در روز قیامت، حسرت کسی است که ثروتی در غیر طاعت خدا به دست آورده باشد و آن را به ارث برای کسی بگذارد که او آن مال را در راه طاعت خدا انفاق کند و این وارث با این عملش به بهشت برود و صاحب اولیه مال، به سبب آن اموال به دوزخ برود!

وقتی بخل ورزیدن، این همه محرومیت از ثواب و آن همه زمینه سازی برای محاسبه دشوار در قیامت دارد، باید این رذیله و صفت

ص: 36

1-- نهج البلاغه، حکمت 416.

2-- نهج البلاغه، حکمت 429.

ناپسند را درمان کرد. در مانش تمرین عملی برای کاستن از تعلق به مال و دل بستگی به ثروت است، از راه انفاق و احسان برای رضای خدا و به قصد ذخیره سازی برای آخرت.

آیا حیف نیست که خدا از مال و جانی که به ما ارزانی داشته، هیچ سهمی نداشته باشد؟ آیا خداوند از این گونه کسان که در راه او نه بذل جان می کنند نه انفاق مال، نه رنج جسمی را تحمّل می کنند، نه گذشتن از ثروت را، راضی است؟ پاسخ را از کلام امیر مومنان علیه السلام بجوییم که فرمود:

«لَا حَاجَةَ لِّلَّهِ فِيمَنْ لَيْسَ لِّلَّهِ فِي مَالِهِ وَنَفْسِهِ نَصِيبٌ» (1).

خداوند، کاری و نیازی به کسی که در مال و جانش هیچ نصیب و سهمی برای خدا نیست، ندارد.

راستی چه قدر فاصله است میان آن که هر چه را دارد، از مال و جان و فرزند و زندگی، عاشقانه تقدیم خدا می کند، و آن که حاضر نیست اندکی از مال خود را در راه خدا خرج نیازمندان کند؟! آیا این اسارت و وابستگی، زیبنده انسان است؟

قرار در کفِ آزادگان نگیرد مال

نه صبر در دل عاشق، نه آب در غربال (2)

روزی امام علی علیه السلام هنگام عبور از کنار مزبله ای، کثافتی را دید، به همراهانش فرمود:

ص: 37

1-- نهج البلاغه، حکمت 127.

2-- سعدی.

«هذا ما بَخِلَ بِهِ الْبَاخِلُونَ» (1).

این، همان است که بخیلان نسبت به آن بخل می ورزیدند.

و به نقل دیگر، فرمود: این همان است که دیروز بر سر آن کشمکش داشتید یا به آن راغب بودید. یعنی مال و ثروت در دنیا، در نهایت تبدیل به زباله و فضولات می شود. چرا انسان گزینه بهتری برای مصرف نیابد؟ و چرا برای دیگران واگذار د؟ به قول ابن یمن:

منه ذخیره که بسیار کس زغایت حرص

نهاد گنج به صد رنج و دیگری برداشت

ص: 38

1-- نهج البلاغه، حکمت 195.

انفاق و افزایش روزی

مثل شاخه درخت انگور یا هر درخت دیگر که با زدن و کوتاه کردن، رشد بیشتری می کند و ثمر بیشتری می دهد، درخت رزق و روزی انسان نیز، با انفاق و صدقه مستحب یا با پرداخت زکات مال، پر

ثمرتر می گردد، سعدی به همین نکته اشاره دارد:

زکات مال به در کن که شاخه رز را

چو باغبان ببرد، بیشتر دهد انگور

امیرالمونین علیه السلام می فرماید:

«اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ» (1).

با صدقه دادن، روزی را فرود آورید.

افزایش روزی در سایه صدقه و انفاق به مستمندان، یکی از آثار دنیوی احسان است. چنین نیست که میزان رزق آدمی تنها به تلاش اقتصادی او وابسته باشد. دادن مال به مستمند، گرچه در ظاهر، موجب کاهش مال است، ولی خداوند همین را سبب وسعت رزق و برکت مال

ص: 39

قرار می دهد.

نپرداختن زکات مال و بی اعتنائی به سهم فقرا و درمان فقر در جامعه، موجب بلاهای گوناگون می شود، روایات بسیاری دلالت بر این دارد که برخی از بلیات و خشکسالی ها و کمبود باران و خشکیدن رودها و چشمه ها برای آن است که مردم زکات نمی پردازند. نتیجه آنکه اگر مردم تقوای مالی داشته باشند و زکات و صدقه بدهند و احسان کنند، هم دچار قحطی و خشکسالی و بلاها نمی شوند، هم خدا به زندگی آنان برکت می دهد. قرآن می فرماید: مردم آبادی ها اگر اهل ایمان و تقوا باشند، برکات الهی از آسمان و زمین به روی آنان گشوده می شود. (1)

امام علی علیه السلام با اشاره به همین معادله و نقش انفاق مالی در افزایش روزی و

جلوگیری از خسران، می فرماید:

«حَصَّنُوا أَمْوَالَكُم بِالزَّكَاةِ». (2)

اموال خود را با پرداخت زکات، حفظ کنید.

مثل پرداخت حق بیمه که سبب می شود خانه و ماشین و زندگی بیمه دهنده از خسارت ها در امان بماند. در نظام رزق و روزی الهی، وقتی از بنده حرکت باشد، از خدا هم برکت خواهد بود و اگر بنده یک گام در راه کمک به نیازمندان بردارد، خدای محسن و کریم، صد گام از رحمت و وسعت به سوی او بر می دارد.

در کلام امیرمؤمنان علیه السلام چنین آمده است:

ص: 40

1- - اعراف، آیه 96 .

2- - نهج البلاغه، حکمت 146.

«مَنْ يُعْطِ بِالْيَدِ الْقَصِيرَةِ، يُعْطِ بِالْيَدِ الطَّوِيلَةِ.» (1)

کسی که با دستِ کوتاه عطا و بخشش کند، با دست بلند به او بخشش می شود.

سید رضی در شرح این جمله نهج البلاغه گوید: یعنی کسی که اندکی از مال خود را در راه خیر انفاق کند، خداوند پاداش بزرگ به او عطا می کند. مقصود از دست در این جا یعنی نعمت، نعمت خدا همیشه بیش از نعمت و عطا و احسان بندگان است، چون اصل همه نعمت ها از اوست و به او بر می گردد.

ص: 41

1- - نهج البلاغه، حکمت 232.

خطر ثروت بی انفاق

غنا و ثروتمندی که از مواهب الهی است، گاهی در دسرساز می شود و رزق فراوان، گاهی به خاطر ناشکری و ترک احسان کاهش می یابد، یا سبب عذاب می شود.

نیکی و انفاق می تواند تضمینی بر بقای نعمت و دوام و افزایش رزق باشد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النَّعْمِ، فَلَا تُتَقَرُّوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ» (1).

زمانی که مقدمات نعمت ها برای شما فراهم گشت، نهایت آن را با ناسپاسی و کمی شکر از خود نرانید.

گاهی خداوند، بنده ناسپاس و بی خیر و احسان را به حال خود رها می کند، در نتیجه هم برخوردار است و هم ناسپاس و غافل، و این می تواند مقدمه یک عقوبت و موخذه باشد. در روایات از این وضعیّت با عنوان «استدراج» یاد شده است، یعنی کاری با او ندارند، تا به تدریج پرونده اش سنگین شود و مورد کیفر سخت قرار بگیرد. پس نباید

ص: 42

خوش خیال و غافل باشد.

به تعبیر امیرمؤمنان علیه السلام:

«رُبَّ مُنْعَمٍ عَلَيْهِ مُسْتَدْرَجٍ بِالنُّعْمَى» (1).

چه بسیار صاحب نعمتی که با نعمت ها

مورد استدراج و موخذه تدریجی قرار می گیرد.

و به تعبیر دیگر: «كَمْ مِنْ مُسْتَدْرَجٍ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ...» (2).

چه بسا کسانی که خدا به آنان احسان می کند تا آزمایششان کند.

و در جای دیگر می فرماید:

«إِيَّهَا النَّاسُ، لِيَرْكُمُ اللَّهُ مِنَ النَّعْمَةِ وَجَلِيلٍ

كَمَا يِرَاكُمْ مِنَ النُّعْمَةِ فَرِيقِينَ. إِنَّهُ مِنْ وَسَّعٍ

عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ فَلَمْ يَرَ ذَلِكَ اسْتِدْرَاجًا فَقَدَ أَمِنَ مَخُوفًا...» (3).

ای مردم، همچنان که خدا شما را از بلا و کیفر هراسان می بیند، در هنگام برخورداری از نعمت هم هراسان ببیند. همانا کسی که رزق و روزی گسترده یابد و آن را استدراج و مقدمه کیفر تدریجی به حساب نیاورد، از چیز خوفناکی خود را ایمن پنداشته است.

یعنی خیلی نباید آسوده خاطر بود، داشتن نعمت و ثروت، امتحان است و مسولیت سنگین دارد و اگر کسی از آزمون مالی خدا سربلند بیرون نیاید گرفتار می شود. این توجه سبب می شود طغیانگری نکند و به تکالیف خود نسبت به نیازمندان عمل کند، و گرنه مرفه بی درد می شود و سرنوشت قارون در انتظار اوست.

ص: 43

1- نهج البلاغه، حکمت 273.

2- همان، حکمت 260.

3- نهج البلاغه، حکمت 358.

کمترین خطر در کمین توانگران بی احسان و انفاق، آن است که خدا برکت را از روزی آنان می گیرد و نعمت هایشان در معرض کاهش و زوال قرار می گیرد.

فریاد خستگان شکنند قلب سنگ را

ای سنگدل زآه دل خسته کن حذر

لطف خداست شامل حال توانگری

کز راه لطف، سوی گدایان کند نظر(1)

ص: 44

1-- قاسم رسا.

از آن جا که انفاق، صرفاً یک پرداخت مالی نیست، بلکه عبادتی سازنده، برنامه ای فقر زدا و امتحانی مالی است و آثار و نتایج آن هم تنها به این دنیا مربوط نمی شود، بلکه تا دامنه قیامت هم کشیده می شود، نکات و آداب و ویژگی هایی دارد که باید رعایت شود و از جنبه مقدار و کیفیت و دهنده و گیرنده و... در سخنان مولا نکته هایی است که توجه به آن ها سودمند است. تحت عنوان «ادب و آداب انفاق» به این نکات اشاره می کنیم:

1. انفاق با اشتیاق

بی میلی و کراهت در انفاق، آن را از ارزش می اندازد و برای گیرنده هم ناراحت کننده است. شخص باید با شوق و

طیب خاطر و رضایت قلبی عطا کند و از عطاپذیر هم ممنون باشد.

حضرت می فرماید:

ص: 45

«وَأَعْطِ مَا أَعْطَيْتَ هَنِيئًا وَامْنَعْ فِي إِجْمَالٍ وَإِعْذَارٍ» (1).

آنچه را می بخشی و می دهی، با خوشرویی و گوارایی عطا کن و اگر نمی خواهی با مهربانی و عذرخواهی نده.

اگر هم امکانات و مالی برای انفاق نیست و شخص نمی خواهد احسان کند، برخورد

تند و اهانت آمیز با نیازمند نداشته باشد. نظیر کلام خدا که فرموده است: «وَأَمَّا

السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ» (2)، گدا را مران.

2. انفاق بی منت

انفاق و صدقه و احسان، کاری الهی و عبادی است، نباید با منت گذاشتن و به رخ کشیدن و رفتار تحقیرآمیز، ارزش آن را از بین برد. قرآن هم به این نکته تصریح فرموده که: «لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ

وَالْأَذَى...» (3). صدقه های خود را با منت و آزار باطل نکنید منت گذاشتن از سوی دیگر نشانه عدم اخلاص است، چون اگر انفاق تنها برای خدا باشد، نیازی به منت گذاشتن و بزرگ نمایی نیست.

امیرالمومنین علیه السلام خطاب به مالک اشتر می نویسد:

«إِيَّاكَ وَالْمَنَّ عَلَى رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ، أَوْ التَّرْيُودَ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ» (4).

از منت نهادن بر مردم در احسانی که به آنان می کنی یا از اینکه کار خود را بیش از آنچه هست بزرگ و بسیار بشماری، پرهیز...

ص: 46

1- - نهج البلاغه، نامه 53 بند 113.

2- - ضحی، آیه 10.

3- - بقره، آیه 264.

4- - نهج البلاغه، نامه 53.

در ادامه، به پیامدهای منفی این شیوه چنین اشاره می فرماید:

مَنّت گذاشتن، احسان را باطل و خراب می کند و بزرگ نمایی، نور حق را از بین می برد.

3. دچار عجب نشدن

برخی با اندک احسان و انفاقی می پندارند کار بسیار مهمی کرده اند و علاوه بر آنکه مَنّت می گذارند، در دل خود هم گرفتار عجب و غرور می شوند. در توصیه های اسلامی آمده است که همیشه کار نیک خود را ناچیز بشمارید تا دچار عجب نشوید و کار بد خود را بزرگ شمارید، تا درصدد اصلاح آن برآیید و در توبه شتاب کنید.

امام علی علیه السلامی فرماید:

روا کردن حاجت ها و برآوردن نیازها جز با سه ویژگی، مستقیم و استوار نمی شود: یکی آنکه آن را کوچک بشماری، تا عظمت پیدا کند، دیگر آنکه آن را پوشیده بداری تا خودش آشکار شود، سوم آنکه آن را زود انجام دهی و امروز و فردا نکنی تا برای طرف گوارا باشد. (1)

مگر می توان از عهده سپاس نعمت های الهی برآمد؟ پس احسان و انفاق مختصر را نباید بزرگ انگاشت. حضرت علی علیه السلامدر زمینه جلوگیری از پیدایش این غرور، سخن مفصّلی دارد که خلاصه آن چنین است:

به خدا قسم اگر پیوسته به درگاه خدا بنالید و از مال و اولاد خود دل

ص: 47

1- - نهج البلاغه، حکمت 101: «لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ: بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَعْظُمَ، وَبِاسْتِكْتَامِهَا لِتُظْهَرَ، وَبِتَعْجِيلِهَا لِتَهْنُو.»

برکنید تا یک درجه به قرب الهی نائل شوید، یا یکی از گناهان شما آمرزیده شود، در مقابل آن ثواب الهی یا عقابی که در پیش است، کاری نکرده اید! به خدا سوگند، اگر از ترس، دل های شما آب شود و دیدگانتان خون بیارد و تا دنیا باقی است، شما هم باقی باشید و هر چه در توان دارید بکوشید، هرگز با نعمت های بزرگی که خدا به شما داده و شما را به ایمان هدایت کرده است، برابری نخواهید کرد و از عهده آن برنخواهید آمد...[\(1\)](#)

پس چه جایی است برای مغرور شدن به نیکی ها و احسان ها؟

4. عطای پیش از سول

کسی که نیاز خود را بر زبان می آورد و رو می اندازد تا کمکی به او شود، در واقع آبروی خود را هزینه کرده و خود را کوچک کرده است. انفاق و بخشش در چنین حالتی کم ارزش است. انفاق وقتی ارزشمند است که نگذاریم به این مرحله برسد و قبل از درخواست عطا کنیم و منتظر سول نیازمند نمایم و این والاترین مرتبه سخاوتمندی است و به اخلاص هم نزدیک تر است.

امام می فرماید:

«السَّخَاءُ مَا كَانَ ابْتِدَاءً، فَأَمَّا مَا كَانَ عَنِ مَسْأَلِهِ فَحَيَاءٌ وَتَذَمُّمٌ».[\(2\)](#)

سخاوت آن است که بدون درخواست قبلی عطا شود، ولی آنچه پس از درخواست داده می شود، به خاطر حیا و رهایی از بدگویی و ملامت شدن

ص: 48

1-- نهج البلاغه، خطبه 52: فَوَاللَّهِ لَوْ حَنَّتُمْ حَيْنَ الْوَلِيِّ الْعِجَالِ...

2-- نهج البلاغه، حکمت 53.

است (یعنی انفاق به خاطر رو درباستی و حرف مردم، بی ارزش است).

5. اعتدال در انفاق

میان‌ه روی و پرهیز از افراط و تفریط، در هر کاری از جمله در انفاق پسندیده است و خروج از مرز اعتدال، جاهلانه است. حدّ افراط در انفاق، آن است که به اسراف و ولخرجی و هدر دادن مال برسد. حدّ تفریط آن است که سر از بُخل و امساک در آورد. خداوند در قرآن کریم، خطاب به حبیب خود حضرت محمد صلی الله علیه و آله هم همین توصیه را دارد که اعتدال در انفاق را رعایت کند. (1) و در وصف «عباد الرّحمان» نیز پرهیز از اسراف و بخل و پیمودن راه میانه را توصیه می فرماید. (2)

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

«كُنْ سَمِحاً وَلَا تَكُنْ مُبَدِّراً. وَكُنْ مُقَدِّراً وَلَا تَكُنْ مُقْتَرّاً». (3)

بخشنده باش نه در حدّ اسراف و بیش از حد. اندازه نگه دار، ولی نه در حدّ سختگیری و بُخل.

رعایت جایگاه مال و انفاق و حسابگری و دقت در این مسأله، سبب می شود نه سرمایه و مال هدر رود، نه به غیر مستحق پولی داده شود و نه انفاق کننده، از اجر و پاداش محروم بماند. امام در هشدار نسبت به این جایگاه می فرماید:

بدانید که پرداخت مال در غیر موردش، تبذیر و اسراف است. چنین

ص: 49

1- اسراء، آیه 29 «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ...».

2- فرقان، آیه 67 «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا...».

3- نهج البلاغه، حکمت 33.

کاری برای شخص، نزد مردم و در دنیا سربلندی می آورد، ولی مایه سرافکندگی در آخرت است، نزد مردم محبوبیت پیدا می کند، اما نزد خدا از ارزش می افتد. هر کس مال خود را بیجا خرج کند، یا به غیر شایسته و غیر نیازمند بدهد، هم از سپاس مردمی بی بهره می شود، هم محبت مردم متوجه دیگران می گردد و اگر روزی هم به کمک مردم نیازمند شود، چندان همراهی و یاری اش نمی کنند. (1)

در سخنی دیگر می فرماید:

کسی که احسان خود را در غیر محل و مورد مناسب و به غیر مستحق دهد، بهره ای جز تعریف و ستایش فرومایگان و بدان ندارد، آن هم تا وقتی است که احسان به دستشان می رسد و می گویند: عجب دست بخشنده ای دارد. (2)

6. انفاق به نیازمندان واقعی

آنچه ارزش انفاق و احسان را بالا می برد، شناخت نیازمندان واقعی و درماندگان و اقدام برای رفع خلاءهاست. مثلاً کسانی که بدهکارند و از عهده ادای دین خود بر نمی آیند، یتیمان بی سرپرست، مصیبت زدگان مستمند، اسیران گرفتار، خویشاوندان بی بضاعت و نیازمند، از جمله موارد ضروری تر برای انفاق است. گاهی دیده می شود که به اسم افطاری و ولیمه و احسان، مهمانی های پرخرج و عروسی های پر هزینه و اغلب با حضور افراد مرفّه و متمکن برپا می شود و مرفّهان بی درد خرجی

ص: 50

-
- 1- - نهج البلاغه، خطبه 126: أَلَا وَإِنَّ إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ...
 - 2- - نهج البلاغه، خطبه 142: وَلَيْسَ لِوَأَضِعِ الْمَعْرُوفِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَعِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ...

می دهند و افراد غیر نیازمند بر این سفره ها می نشینند، در حالی که افراد محتاج و گرفتار، در جامعه و در همسایه ها و اقوام و بستگان فراوانند. چنین احسان هایی کم ارزش است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَلْيُحْسِنْ مِنْهُ الصَّدَقَةَ وَلْيُفِكَّ بِهِ الْأَسِيرَ وَالْعَانِيَّ، وَلْيُعْطِ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَالْغَارِمَ وَلْيَصْبِرْ نَفْسَهُ عَلَى الْحَقِيقِ وَالنَّوَابِغِ»

اِتِّغَاءِ الثَّوَابِ» (1).

کسی که خداوند به او مالی داده است، با آن مال به اقوامش کمک کند، مهمانی نیکو و شایسته برگزار کند، اسیر و گرفتار را آزاد سازد، به فقیر و بدهکار بدهد و بر ادای حقوق واجب و حوادث و بلاها شکیبایی ورزد تا به ثواب الهی برسد.

چه نعمتی بالاتر از اینکه کسی تمکن مالی داشته باشد و بجا خرج کند و گره از کار گرفتاران و نیازمندان واقعی بگشاید؟

سعدی چه خوب گفته است:

توانگران را، وقف است و نذر و مهمانی

زکات و فطره و اعتاق و هدی و قربانی

تو کی به دولت ایشان رسی که نتوانی

جز این دو رکعت و آن هم به صد پریشانی (2)

سفارش حضرت به رسیدگی به یتیمان، مورد دیگری از انفاق به

ص: 51

1- - نهج البلاغه، خطبه 142.

2- - گلستان سعدی، باب هفتم، ذیل حکایت 19.

نیازمندان واقعی است. از سفارش ها و وصایای او در آخرین لحظات، پس از ضربت خوردن یکی هم این بود:

«اللّٰهُ فِي الْاَيْتَامِ، فَلَا تُغَبِّوْا اَفْوَاهَهُمْ وَلَا يَضِيْعُوْا بِحَضْرَتِكُمْ» (1).

خدا را خدا را درباره یتیمان، آنان را گاهی سیر و گاهی گرسنه نگذارید، مبادا در کنار شما تباه شوند.

در عهدنامه خود به مالک اشتر نیز، سفارش اکید در مورد طبقات پایین و محروم اجتماع می کند و به کمک به بینوایان گرفتار و از کار افتادگان و زمین گیران و یتیمان و سالخوردهگان و افراد آبرومند و قانع که روی سول و اظهار حاجت ندارند

فرمان می دهد. (2)

7. انفاق به خویشاوندان محروم

از جمله اولویّت های مهم در احسان و انفاق، فامیل مستمند است. در مثل هاست: چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است. مقصود آن است که تا وقتی در فامیل دور و نزدیک، افراد بینوا و فقیر وجود دارد،

اولویّت در جه یک رسیدگی به آنان است، نه خرج ها و احسان هایی به دیگران. این کلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مشهور است که فرمود: «لَا صَدَقَةَ وَذُوْرَجِمٍ مَحْتَاَجٍ» (3). کسی که خویشاوند نیازمند دارد، صدقه به دیگری برای او روا نیست.

ص: 52

1- نهج البلاغه، نامه 47.

2- نهج البلاغه، نامه 53، بند 101: اللّٰهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الدِّينِ لَا حِيْلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِيْنِ وَالْمُحْتَاَجِيْنَ.

3- میزان الحکمه، حدیث 10409.

حضرت علی علیه السلام در یک جا خویشاوندان و اقوام را توصیه می کند با هم ارتباط و پیوند داشته باشند و به هم برسند و به یکدیگر بذل و بخشش کنند:

«عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَالتَّبَاذُلِ» (1).

در جایی هم در توصیه به ثروتمندان جهت رسیدگی به اقوام مستمند خویش می فرماید:

«أَلَا لَا يَعْدِلَنَّ أَحَدُكُمْ عَنِ الْقَرَابَةِ يَرَى بِهَا الْخِصَاصَةَ أَنْ يَسُدَّهَا بِالَّذِي لَا يَزِيدُهُ إِنْ أَمْسَكَهُ وَلَا يَنْقُصُهُ إِنْ أَهْلَكَهُ» (2).

مبادا یکی از شما از خویشاوندی که گرفتار فقر و بینوایی است، روی برگرداند! باید با مال و ثروتی او را یاری رساند که اگر انفاق نکند، بر دارایی اش نیفزاید، و اگر انفاق کند، چیزی از دارایی او نکاهد.

یعنی برخی مردم چنان تمکن و وسعت مالی دارند که این گونه خرج کردن ها برایشان بی تأثیر است و چندان کاهشی در اموالشان به چشم نمی آید، ولی مشکلات بسیاری از گرفتاران با همین کمک ها حل می شود.

8. کوچک نشمردن انفاق کم

از وسوسه های شیطان برای بازداشتن انسان از عمل خیر، کوچک جلوه دادن کار خوب کم و سست کردن او از انجام آن به قصد کارهای بزرگ تر است. اینکه گفته اند «سنگ بزرگ علامت نزدن است» در انفاق

ص: 53

1- نهج البلاغه، نامه 47.

2- همان، خطبه 23.

هم مصداق دارد. شیطان گاهی پیشنهاد خیرات زیاد و پر حجم می کند تا انسان بترسد و عقب بنشیند و از انجام کار خیر کوچک هم باز بماند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«أَفْعَلُوا الْخَيْرَ وَلَا تَحْقِرُوا مِنْهُ شَيْئًا، فَإِنَّ صَغِيرَهُ كَبِيرٌ وَقَلِيلُهُ كَثِيرٌ» (1).

کار نیک را انجام دهید و چیزی از آن را کوچک بشمارید، چرا که کوچک آن بزرگ مقدار است و اندک آن بسیار.

وقتی پاداش دهنده، خداوند کریم است، برای او کوچک و بزرگ و کم و زیاد آن عمل مطرح نیست. اگر نیت خالص باشد، می پذیرد و پاداش عظیم هم می دهد. مهم آن است که همراه با تقوا و اخلاص باشد. در این صورت ارزش محتوایی بالایی پیدا می کند.

امام می فرماید:

«لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى، وَكَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَّقَبَلُ» (2).

با وجود تقوا هیچ عملی کم نیست، چگونه کم خواهد بود چیزی که مورد قبول قرار گیرد؟

به علاوه همیشه کارهای بزرگ، در پی تمرین های مستمر و با کارهای سبک و کم شروع می شود. کسی که خود را به انفاق های کم عادت ندهد، انفاق های عظیم نخواهد کرد. با احسان های اندک، قدرت روحی و ظرفیت انجام کارهای بزرگ تر بالا می رود و دل کندن از مال کم، مقدمه دل کندن از اموال بسیار است.

ص: 54

1-- نهج البلاغه، حکمت 422.

2-- نهج البلاغه، حکمت 95.

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

«قَلِيلٌ تَدُوْمُ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيْرٍ مَمْلُوْلٍ مِنْهُ».(1)

کار اندکی که دوام دارد، بهتر از کار بسیاری است که از آن خسته شوی.

در هر کار خیری چنین است و انفاق نیز اگر به صورت یک خصلت همیشگی درآید، هر چند به مقدار اندک، بهتر است.

بعضی هم از احسان ناچیز شرمنده می شوند و همین خجالت، مانع آن می شود. آیا احسان کم بهتر است، یا اصلاً احسان نکردن؟ رهنمود حضرت امیر علیه السلام در این مورد چنین است:

«لَا تَسْتَحْ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيْلِ، فَإِنَّ الْجِرْمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ».(2)

از بخشش اندک خجالت نکش، چرا که محرومیت (از انفاق کردن یا دریافت انفاق)، از آن، کمتر است.

پس وقتی انتخاب بین کم و کمتر باشد، کم را باید برگزید (کاجی به از هیچی است!)

9. اخلاص در انفاق

ارزش هر عملی به اخلاص است. چه عبادت ربایی، چه جهاد ربایی و چه انفاق ربایی آن را پوک و پوچ می سازد. قرآن همچنان که انفاق خالصانه و در راه خدا را پاداشی مضاعف حتی تا هفتصد برابر وعده می دهد،(3) انفاق های ربایی را هم بی اثر و بر باد رفته می داند که چیزی

ص: 55

1- - نهج البلاغه، حکمت 444.

2- - نهج البلاغه، حکمت 67.

3- - بقره، آیه 261.

دستگیر انفاق کننده نمی شود و برایش چیزی نمی ماند. (1)

حضرت امیر و حضرت زهرا علیهما السلام سه روز افطار خود را بدون چشمداشت پاداش و تشکر، و تنها برای خدا انفاق کردند و به مسکین و یتیم و اسیر دادند، خداوند در ستایش و تقدیر از این انفاق ارزشمند، سوره «هل اتی» را نازل فرمود.

توصیه های آن حضرت به اخلاص در عمل، شامل انفاق هم می شود. می فرماید:

«وَأَعْمَلُوا فِي غَيْرِ رِيَاءٍ وَلَا سُمْعَةٍ، فَإِنَّ مَنْ يَعْمَلْ لِغَيْرِ اللَّهِ يَكِلُهُ اللَّهُ لِمَنْ عَمِلَ لَهُ». (2)

برای خدا کار کنید نه برای نشان دادن به دیگران، و یا شنودن این و آن، چرا که هر کس برای غیر خدا عمل کند، خداوند او را به کسی وا می گذارد که برای او عمل کرده است.

ص: 56

1- - بقره، آیه 264.

2- - نهج البلاغه، خطبه 23.

«احسان»، کار خداست، از دیر باز تا کنون و همیشه.

نیکوکاران نیز به خدا اقتدا می کنند و «رافت» را در دل و جان خودشان می رویانند، تا بندگان خدا از این چشمه مهر بنوشند.

بندگان، سراسر «نیاز» اند و خالق هستی «غنیّ مطلق» است و بر آوردن نیازهای بندگان را بر عهده گرفته است، چون رازق است و غنیّ، کریم است و جواد.

توانگرانی هم که با داشته های خود، «ناداری» های اهل مسکنت را جبران می کنند، کاری خدایی می کنند.

آتش حرص انسان خاموش نشدنی است و حرص را تا نسوزاند، فرو نمی نشیند.

امّا «گنج قناعت» سرمایه ای پایان ناپذیر است و بندگان قانع، به تعبیر مولا علیه السلام در حدّ نیاز و گذران امور، مصرف و خرج خود می کنند و افزون

بر نیاز را انفاق می کنند. (1)

روزی که انسان به دنیا می آید، هیچ ندارد.

روزی هم که از دنیا می رود، هیچ نخواهد داشت و با خودش هیچ نخواهد برد.

در این میان، امانتداری است که ودایع الهی به او سپرده می شود و امتحان می دهد.

مواد این امتحان عبارت است از: احسان، صدقه، انفاق، نذر، وقف، زکات، خمس، خیرات و مبرات، وصیّت به ثلث، سخاوت و کرم، صله رحم، اطعام و ...

تا که قبول شود، و که مردود!

لذّت بعضی در دنیا، در «خیر رساندن» به مردم است، لذّت بعضی هم در نمایش کامیابی ها و داشته های خود به ناکامان و تنگدستان.

کدام گروه به مرز انسانیت نزدیک ترند؟

«انفاق و احسان»، راهی است که به «بهشت» منتهی می شود، به شرط آنکه از پرتگاه های ریا، منت، تحقیر، غرور و عجب، به سلامت بگذریم.

کار نیک کردن و «خیر» بودن، توفیق می خواهد.

خداوند را بندگان خاصی است با این علایم و نشانه ها:

مدال «خدمت» بر دوش دارند و دلی پر مهر و عاطفه در آغوش. گروه خونشان با مردم یکی است و همسایه دیوار به دیوار غم ها و شادی های مردم اند، بار مردم را برمی بندند و گره از کارشان می گشایند،

ص: 58

1- - نهج البلاغه، حکمت 123: وَأَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ.

خدمت و احسان بی منت را عبادت می دانند و اجر و پاداش را تنها از خدا می خواهند، هر چه را دارند، وقف بندگان خدا می کنند و این وقفنامه را با جوهر اخلاص به امضای خدا می رسانند و از اسارت دنیا و تعلق به مال، رها می شوند.

در میدان این مسابقه، برخی با امتیازات بالا حضور می یابند، برخی هم به خاطر تعلقات، هیچ امتیازی به دست نمی آورند.

راه احسان و انفاق، همیشه رو به بهشت باز است و رونده می خواهد.

کیست مرد این راه؟ و کجاست جویای بهشت؟

ص: 59

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

